

راهبردهای نظارت همگانی در مدیریت سیاسی جامعه دین بنیان

فاطمه براتلو*

چکیده

از صدر اسلام تاکنون، برخی اندیشمندان بر این بوده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای فردی است و مانند بسیاری تکالیف و احکام الهی، بر فرد مسلمان واجدالشرايط واجب است. در این دیدگاه، شرايط و مقتضیات زمان و مکان، کمتر مؤثر است و حکومت دینی و اسلامی وظیفه خاصی ندارد. دیدگاه دیگر، امر به معروف و نهی از منکر را افزون بر وظیفه فردی، موضوعی اجتماعی و حکومتی می‌داند. بر مبنای نگرش دوم، توسعه فرهنگ شریعت‌مدار و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای گسترش آن، فراهم آوردن سازوکار مناسب و بسیاری دیگر از مؤلفه‌های مدیریت سیاسی خرد و کلان، در نظام دین‌بنیان مطرح می‌گردد. یکی از خرده‌نظام‌های مهم که باید در طراحی هر سیستم، مد نظر قرار گیرد، نظام، پایش و نظارت بوده، اساساً شکل‌گیری، ثبات، تداوم و پویایی هر نظامی، به آن وابسته است. این مقاله، در صدد است که به موجب حدیث شریف، امر به معروف و نهی از منکر را یک نظام نظارت همگانی در مدیریت جامعه دین‌بنیان معرفی نماید که رسالت اجرای شرایع الهی و ایجاد جامعه و حکومت اسلامی و تضمین تحقق اهداف آن را بر عهده دارد. با چنین پیش‌فرضی، نمونه‌ای را از مجموعه آرای فقهی و نظریه‌های اندیشمندان اسلامی می‌پیماییم، و در پایان، با رویکردی استراتژیک از «است»‌های توصیفی حاصل شده از آن، «باید»‌های تجویزی و سپس راهبردهای نظارت همگانی را در نظام اسلامی به دست می‌آوریم.

کلیدواژه‌ها: جامعه دین‌بنیان، فرهنگ شریعت‌مدار، مدیریت سیاسی، نظام نظارت همگانی، تفکر استراتژیک، امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

علامه بزرگوار محمدتقی جعفری، انگیزه و فلسفه وجودی امر به معروف و نهی از منکر را قرار دادن انسان در مسیر کمال می‌داند؛ این، خود از اساسی‌ترین وظایف انبیا بوده است (جعفری، ۱۳۸۰: ۲۳۷/۱). در طول تاریخ، تلاش برای احیا و اجرای این فریضه، به گونه‌ای بوده که این کمال‌طلبی، گاه تا تجلی جنبش و حتی انقلاب و نظامی نو، پیش رفته است.

در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم در برابر یکدیگر، دولت در برابر مردم و مردم در برابر دولت».

همچنین به موجب سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴، ... بر اصول اخلاقی، ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها... فعال، مسئولیت‌پذیر... برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی... متکی خواهد بود.

برای رسیدن به این منظور، ضروری است در مدیریت سیاسی کلان نظام اسلامی، «است»‌های فریضه، به منزله آنچه شارع مقدس صلاح می‌داند، استخراج شود، «باید»‌های آن ترسیم گردد، و فاصله میان وضع موجود و مطلوب، محاسبه و در نهایت، راهبردهای آن در مسیر رشد و تعالی جامعه تدوین شود. چنین نگاهی، مستلزم تعبیری جامع و عمیق است؛ از این‌رو آرا حکومتی فقها، اندیشمندان و صاحب‌نظران دینی، ملاک پردازش واقع شده است.

آیات متعددی از قرآن کریم (آل عمران، ۱۰۴/۳، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴؛ اعراف، ۵۷/۷؛ توبه، ۷۱/۹، ۱۱۲؛ حج، ۹۰/۲۲)، بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر تأکید صریح دارد. همچنین به موجب روایات بسیاری (ر.ک: حرعاملی، بی‌تا: ۳۹۳/۱۱-۶۰۱) وجود

دارد که به موجب آنها، این فریضه، مانند هر مفهوم قرآنی و اسلامی، ابعاد و جنبه‌های مختلف و متنوعی دارد که مکمل یکدیگر هستند. این فریضه، بُعد هدایت فردی و هم اجتماعی دارد؛ هم مفهومی فرهنگی و تربیتی، هم مقوله اجتماعی و مدیریتی است؛ هم عبادت و بندگی است، هم شأن حاکمیت و حسبه دارد. این حکم، مانند تمامی احکام شرع مقدس، به حکم عقل نیز ضروری است. امر به معروف و نهی از منکر، گستره‌ای از فرد تا جامعه دارد و شامل اصل برپایی اسلام، اجرای احکام و اقامه حکومت اسلامی می‌شود. آیات قرآن درباره این فریضه، دو دسته است:

در یک دسته، امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف یکایک تلقی شده است (توبه، ۷۱/۹ و ۱۱۲؛ لقمان، ۱۷/۳۱). در دسته دوم، امر به معروف و نهی از منکر را همچون یک فریضه حکومتی و مسئولیت کلان، بر دوش حاکمیت و مدیریت اسلامی قرار داده است. به بیان دیگر، باید در حکومت اسلامی نهادی برای این منظور بر پا شود. در این حالت، امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها تکلیف یکایک افراد، بلکه وظیفه مدیریت و حاکمیت اسلامی و تشکیلات، دستگاه‌ها و نهادهایی است که شعبه‌هایی از این حاکمیت هستند (آل عمران، ۱۰۴/۳؛ حج، ۴۱/۲۲؛ اعراف، ۵۷/۷).

در رساله‌های عملیه، اغلب به تکلیف اول اشاره شده است. تکلیف دوم، مسئولیت حکومت اسلامی و بر دوش کسی است که قدرت را در دست دارد. در این حالت، امر به معروف و نهی از منکر، در درجه اول، ماهیت ارشادی و دعوت الی‌المطلوب ندارد، بلکه ایجاد و اجرای مطلوب شرعی است و از این رو شباهت زیادی به احکام حکومتی دارد (مهدوی زادگان، ۱۳۸۹: ۱۱۸). حکومت اسلامی باید به برپایی کل احکام فردی و اجتماعی امر نماید و راه‌های برپایی معروف را در کل جامعه هموار کند. این معروف، فوق طاقت، قدرت و تدبیر یک فرد است و به سیاست‌های کلان اجتماعی و برنامه‌هایی باز می‌گردد که محل تنظیم آن حکومت است.

نظارت در نظام مدیریت سیاسی دین‌بنیان

در صدر اسلام نظارت، امری نهادینه بوده است... در مجموعه روایات شیعی، خیرخواهی^۱ برای دیگران، حتی با عنوان «النصيحة لائمة المسلمين»، حدود ۳۵ بار تکرار شده است. حضرت علی(ع)، خیرخواهی را قسیم اطاعت و نه مصداق آن قرار داده و فرموده است: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةِ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمْرُكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۴).

باور مسلمانان بر این است که بنا به نظم و نظام تعریف‌شده شارع مقدس، اداره جامعه اسلامی، بر الگوی جامع، کامل و کارآمد مبتنی است. در این الگو، نظام‌ها و ساختارهای عالی، در ارتباطی معنی‌دار، عمیق و برنامه‌ریزی شده، نظام حکومت اسلامی را شکل خواهد داد که در آن: نظام مدیریت و هدایت در تئوری امامت معصوم(ع) و ولایت فقیه، نظام اقتصادی با چارچوب‌های اصلی خمس، زکات، انفاق، قرض‌الحسنه و نظام دفاعی با تئوری جهاد و راهبرد بازدارندگی توضیح و تبیین گردیده است. امام محمد باقر(ع) می‌فرماید:

انَّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمّر الارض وينتصف من الاعداء ويستقيم الأمر. (حر عاملی، بی تا: ۳۹۹/۱۱؛ کلینی، ۱۹۹۲م: ۵۵/۵).

... حقاً که امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران، شیوه صالحان و فریضه بزرگی است که دیگر فرائض، با آن برپا می‌شود؛ راه‌ها ایمن [امنیت اجتماعی]، کسب‌ها حلال [امنیت اقتصادی]، مظالم به صاحبان آنها باز گردانده [سلامت اقتصادی و روانی و برقراری عدالت]، زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها استوار می‌گردد [استقرار نظام الهی]... (کلینی، ۱۹۹۲: ۵۵/۵؛ حر عاملی، بی تا: ۳۹۹/۱۱).

شارع مقدس، برای نظام نظارت که شکل‌گیری و تداوم حرکت و بقای نظام، به آن وابسته است، یکی از کامل‌ترین الگوهای هدایتی و نظارتی را با کارکردهایی اجتماعی و

۱. خیرخواهی مصادیق مختلفی دارد؛ برای مثال، قبل از عمل حاکم، خیرخواهی، در دعا کردن برای حاکم و اطاعت از حاکم است ولی بعد از عمل و اشتباه او، خیرخواهی در تذکر دادن اشتباه به اوست.

فردی معرفی نموده که همان نظام امر به معروف و نهی از منکر است: «... قوام، رشد، کمال و صلاح، به امر به معروف و نهی از منکر وابسته است و اینهاست که نظام را جوان نگه می‌دارد...» (مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام: ۷۹/۴/۱۹).

نظارت، با همه معانی گسترده‌اش، واژه کاملی برای مفاهیم، نقش‌ها و کارکردهای فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیست، اما در ادبیات سیاسی و مدیریتی و در بستر نظام‌های اجتماعی، نزدیک‌ترین مفهومی است که می‌تواند نقش و کارکرد این فریضه را در طراحی نظام اسلامی تبیین و تعریف نماید. در این ادبیات، نظارت، فرآیندی است برنامه‌ریزی شده که طی آن، مجموعه اطلاعات مربوط به عملکرد یک مجموعه یا نظام، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود تا میزان انطباق یا مغایرت عملکرد (هست‌ها) با اهداف، برنامه‌ها، قوانین، معیارها و ضوابط حاکم بر آن مجموعه (بایدها)، تشخیص داده شود و در نهایت، پیشنهادهای لازم برای اصلاح ارائه گردد.

روش تبیین راهبردها

این مقاله، در پی برکشیدن راهبردهای نظارت عام در مدیریت سیاسی - اجتماعی است که براساس اصل ضرورت تفکر استراتژیک و با پیش‌فرض کارکرد مؤگد نظارتی فریضه، «است»ها را برمی‌شمرد و «بایدها» را به دست می‌آورد.

«است»های فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برآمده از رویکرد حکومتی و اجتماعی فقهاست. بدیهی است که «است»های این فریضه، خود مترتب از «اصل»هایی است که شارع مقدس در دو حوزه کتاب و سنت بدان تأکید و اهتمام دارد.^۲ «اصل»ها، چشم‌انداز مطلوب (vision) جامعه، و «است»ها همان بیانیه مأموریت (Mission Statements) یا رسالت جوامع است که به اهداف بلندمدت (Long-term objectives) جهت

۱. نظام، خود در درون نظامی بزرگ‌تر جای گرفته و همچنین دارای خرده‌نظام‌هایی است و علاوه بر همه اینها در ارتباط با سایر نظام‌های هم‌عرض خود می‌باشد.

۲. البته مقاله حاضر، محل پرداختن به این موضوع نیست.

می‌دهد. نتیجه‌های خاص حاصل‌شده در تأمین مأموریت که ویژگی‌هایی چون چالشی بودن، با ثباتی، روشنی و عقلایی دارد، همان «است»‌هایی است که در حوزه فقه و شریعت برآمده از تفقه فقها، صاحب‌نظران و علمای دینی است.

اغلب، تدوین رسالت یا مأموریت، نخستین مرحله از تفکر استراتژیک یا مدیریت استراتژیک است. به طور کل، رسالت، با پاسخ به پرسش‌های زیر تدوین می‌یابد:

(۱) که هستیم؟

(۲) نیازهای بنیادین سیاسی و اجتماعی یا مسائل سیاسی و اجتماعی که باید حل و فصل شود، کدام است؟

(۳) عملکرد ما برای تشخیص یا پیش‌بینی نیازها یا مشکلات چه باید باشد؟

(۴) فلسفه ما چیست؟ ارزش‌های محوری ما کدامند؟

(۵) چه چیزی متمایزکننده ماست؟

پاسخ کامل به این سؤالات، مبنای استواری برای توصیف موقعیت ما در آینده یا چشم‌انداز موفقیت ما فراهم می‌سازد.

حضور اندیشه مدیریت استراتژیک در نظام‌های اجتماعی - سیاسی، الثفات به فرایندی پویا، مستمر و به‌هم‌پیوسته در نظام است. صاحب‌نظران مدیریت استراتژیک، این فرایند را به مثابه نسخه دوم آن چیزی می‌دانند که در مغز انسان باهوش می‌گذرد (فرد آر، ۱۳۸۵: ۴). استراتژیست‌ها در هر جایگاهی، سه مسئولیت اصلی دارند: ایجاد بسترهای ضروری تغییر و بالنده‌سازی در مسیر اهداف کلان نظام، ایجاد تعهد و ایجاد توازن بین ثبات و نوآوری برای بقا و حیات نظام (همانجا).

با این وصف از تفکر استراتژیک، بدیهی است که اتخاذ ابزار مدیریتی از این نوع، در شرایط سیال و پرفراز و نشیب این زمانه، برای جامعه‌ای که الگوی حاکمیت دینی، مطلوب اوست، رهگشاست. با توجه به گفته صاحب‌نظران مدیریتی، منافع چون: آگاهی از اولویّت‌ها و فرصت‌ها، هماهنگی و کنترل فعالیت‌ها، حداقل‌رسانی اثرات شرایط نامطلوب یا اضطرارها، حمایت از اهداف بلندمدت، اثربخشی در زمان، صرفه‌جویی به مقیاس با صرف منابع کمتر برای خطا و اصلاح، چارچوب‌دهی به

ارتباطات، یکپارچگی و تعیین مسئولیت‌ها، تقویت نگرش خوش‌بینانه و نظم را در مدیریت سازمان جامعه در بردارد (همان: ۵۳).

نکته قابل توجه اینکه استراتژی، در ارتش یا صنعت، بر تعارض و رقابت مبتنی است، در حالی که تفکر استراتژیک در نظم امور مدیریت سیاسی دین‌بنیاد، می‌تواند اشاره صریحی بر «فاستبقوالخیرات» باشد.

پس از تدوین مأموریت یا رسالت، و به تعبیر این نوشتار، «است»‌های حاکمیت اسلامی، و دستیابی به شناخت از محیط درونی و پیرامونی، نظام با مشکل شناسایی مسائل استراتژیک مواجه خواهد بود.

برای تعیین مسائل استراتژیک، بنا به موقعیت، سه رویکرد پیشنهاد شده است:

۱. رویکرد مستقیم؛ خاص شرایطی است که اجماع دشوار است و چشم‌انداز موفقیت، از قبل طراحی نشده یا رسیدن به آن دشوار باشد و از سویی، محیط پرتلاطم، تدوین اهداف را مشکل کند. در این تحقیق، وجود کتاب و سنت، در قالب «اصل»‌هایی شکل‌دهنده به چشم‌انداز موفقیت، اتخاذ رویکرد مستقیم را در تعیین مسائل استراتژیک نفی می‌کند.

۲. رویکرد هدف‌ها؛ در صورت حضور رهبری قدرتمند در پیشبرد اهداف، توافق درباره اهداف، شیوه مناسبی برای تدوین مسائل استراتژیک است. پیچیدگی‌های موجود در جامعه، بهره‌مندی از این رویکرد را نیز در اولویت قرار نمی‌دهد.

۳. رویکرد موسوم به چشم‌انداز موفقیت؛ برای ترسیم تصویر مطلوب جامعه، یا بهترین حالت برای رسیدن به وضع مطلوب به کار می‌رود (برایسون، ۱۳۷۲: ۸۷). از آنجا که پیام رسالت رسولان و پیامبری آنان، لطف شارح است، این گزینه، بهترین رویکرد برای تدوین راهبردهای نظارت کلان جامعه به نظر می‌رسد. به موجب این رویکرد از برابری «است»‌ها در عرصه تئوری و نظر، «باید»‌ها برای عرصه عمل، استخراج می‌شود و مبنایی برای تدوین راهبردها در حیطة تصمیم‌سازی و مدیریت قرار می‌گیرد.

«است»‌های فریضه در آرای فقهی فقیهان و اندیشه دینی اندیشمندان

در ترسیم چشم‌اندازی مطلوب از فریضه امر به معروف و نهی از منکر و در بیان وظایفی که بر عهده مردم و حتی حاکمان است: اکثر فقها امر به معروف و نهی از منکر عملی را از حیظه مکلفان عادی و معمولی خارج می‌دانند و اذن امام یا سلطان را لازم می‌شمارند. شیخ طوسی، در کتاب *النهایه*، با نگاه حکومتی به امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید: آن بخش از این فرع دینی را که به حکومت و قدرت سیاسی بستگی دارد، یا به عبارت دیگر. امنیت بخشیدن به جامعه و ایجاد جو آرام، باید با اجازه قدرت سیاسی باشد. در کنار شرایط و وجوب امر به معروف و نهی از منکر، باید علم معروف‌شناسی و منکرشناسی هم وجود داشته باشد. محقق حلّی (۶۰۲-۶۷۶ ق)، به طور مختصر، در بابی مستقل، به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. وی در کتاب *شرایع الاسلام* ابتدا معروف و منکر را چنین تعریف کرده است:

معروف، عبارت است از هر عمل نیکی که رجحانی زائد بر حسن خود دارد؛ اگر انجام دهنده‌اش به آن رجحان، واقف باشد یا راهنمایی شود. و منکر، هر عمل زشت و بدی است که انجام دهنده‌اش به قبح آن آگاه باشد یا به قبح آن راهنمایی شود (حلی، ۱۳۷۷: ۳۶۸/۲۲).

صاحب *جوهر* می‌گوید: والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر، و بالاترین، متقن‌ترین و مؤثرترین مراتب آن، به ویژه نسبت به بزرگان دین، آن است که جامعه معروف بر تن کرده، واجبات و مستحبات را به جا آورند و جامعه منکر - چه محرمات و چه مکروهات - را از تن به درآورند با عمل خود، افراد را امر و نهی کنند (صاحب *جوهر*، ۱۳۷۳: ۱۶۲).

محقق کرکی یا محقق ثانی (۸۷۰-۹۴۰ ق) در کتاب *جامع المقاصد*، در انتهای بحث جهاد، مانند بسیاری از فقها به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. ایشان، ضمن اعتقاد به وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر، یکی از شروط وجوب این فریضه را علم به معروف یا منکر بودن فعل دانسته است. (وی، این را شرط واجب می‌داند نه شرط وجوب).

محقق اردبیلی (متوفی ۹۹۳ ق) در کتاب *زبدۃ البیان*، آیات قرآن درباره اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را آورده و ضمن تفسیر و تبیین آنها، بر وجوب شرعی و عقلی این فریضه تأکید کرده و گفته است: آیه مبارکه «کنتم خیر امه»، می‌فهماند که برترین امت اسلامی، به اعتبار اقدام آنها به امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خداست. وی با تأکید بر کفایتی بودن وجوب امر به معروف و نهی از منکر، لزوم اقدام به آن را منوط به تحقق شرایط، از جمله شناخت معروف و منکر می‌نماید. محقق، ضمن بیان مراتب امر به معروف و نهی از منکر، در خصوص ادای این فریضه در برابر حاکم جور می‌گوید: بر مردم واجب است حکام جور را از ارتکاب منکر و ترک معروف منع نمایند.

شهید ثانی (متولد ۹۱۱ ق) در تبیین اصل امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا به بیان مفهوم معروف و منکر پرداخته، وجوب امر و نهی را کفایتی می‌داند و می‌گوید: برای ایفای این فریضه، باید شرایطی در نظر گرفت که زمینه تحقق چنین وظیفه‌ای فراهم آید. شهید ثانی، در شرایط چهارگانه خود، به علم (شناخت معروف و منکر) اولویت می‌دهد. (شهید ثانی، بی‌تا: ۴۱۴/۲). وی در بحث فروع دین، امر به معروف و نهی از منکر را همانند جهاد، دارای ابعاد سیاسی و عبادی می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۲۰۴) به سبب آنکه تکلیف شرعی هر فرد در برابر خالق خویش است امری عبادی؛ و به دلیل اینکه درباره دیگران، جامعه و حکومت و تخلفات آنان مطرح می‌شود، کاری سیاسی است.

در نگاه محقق سبزواری (۱۰۱۷-۱۰۹۰ ق) این فریضه، واجب بلکه از واجبات مؤکد اسلام است. امر دین و نظام ملک و ملت به امر به معروف و نهی از منکر بسته است و اگر مردم دست از آن بردارند و فاسقان و فاجران را به سبب اعمال زشت و ناخوشایندشان تعزیر نکنند و به خود گذارند، فساد سراپت کند و مرتبه مرتبه آفت عام گردد و طبایع بهایم و سباع در میان انسان‌ها شایع می‌گردد و هرج و مرج، در همه اوضاع به هم رسد (شهید ثانی، بی‌تا: قسم اول، باب هفتم، فصل اول).

راه سند، لازم می‌شمارد. وی ادامه می‌دهد: بدی و نیکی فعل، از ضروریات و قطعیات باشد و هیچ‌گونه اختلافی درباره آن نباشد. وی می‌گوید:

تا جمیع احتمالات بر طرف نشود و راه عذر بالکلیه مسدود نباشد، متعرض نباید شد تا معصیت ثابت نباشد؛ و در مقام نهی درنباید آمد و تفحص و تجسس نباید کرد و متعرض اندرون خانه مردم نباید شد و سخنان غمازان و ساعیان را نباید شنید» (همانجا).

وی در باب وظیفهٔ علما می‌گوید: کار امر به معروف و نهی از منکر، بی‌اعانت و امداد علما صورت نمی‌یابد و منتظم نمی‌شود؛ چه معرفت معروف و منکر، به حکم و فتوای ایشان درست می‌آید.

امام خمینی (ره) علاوه بر دیدگاه قدما، در شرایط خاص قبل و بعد از تشکیل حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر را وجهی از رحمت رحیمیه می‌داند و می‌گوید: برآمر به معروف و ناهی از منکر لازم است که به قلب خود از این رحمت رحیمیه بچشاند، نظرش در امر و نهی، خودنمایی و خود فروشی و تحمیل امر و نهی خود نباشد؛ زیرا که اگر با این نظر مشی کند، منظور از امر به معروف و نهی از منکر که حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در بلاد است حاصل نشود (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۳/۱): «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت».

از نگاه مقام معظم رهبری، ادای این فریضه، یک وظیفهٔ عمومی است: ... امر و نهی، فقط زبان و گفتن است، البته یک مرحله قبل از زبان هم دارد که مرحله قلب است و اگر آن مرحله باشد امر به معروف زبانی کامل خواهد شد... (مقام معظم رهبری: نماز جمعه آذر ۷۹). از نگاه ایشان، امر و نهی صادقانه، مولود چنین وضعیتی است. ایشان می‌فرماید: یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است... نظارتی و کمک به شیوع خیر است... موجب می‌شود که گناه، در نظر مردم، همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود... نهی از منکر در همه زمینه‌های مهم وجود دارد... امر به

۱. سوء استفاده از منابع عمومی، رفیق بازی در مسائل عمومی کشور... عدم رعایت حقوق زنان... عدم رعایت حقوق جوانان، حقوق کارکنان... منکرانی در سطح جامعه که می‌شود از آنها نهی کرد و باید نهی کرد از جمله: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان ...

معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است. فقط مسئولیت مسئولان کشور در این باب سنگین تر است... اما آحاد مردم هم وظیفه دارند... آن گاه این نظام اسلامی، همیشه تر و تازه و با طراوت و شاداب می ماند (مقام معظم رهبری، در دیدار با زنان نخبه و فعال در عرصه های مختلف: ۱۳۸۶/۴/۱۳) ... روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ خواهش، تقاضا و تضرع نیست... در نهایت اینکه مصداق کامل و تمام امر به معروف، ایجاد جامعه و حکومت اسلامی و مصداق کامل نهی از منکر، نهی از یک جامعه طاغوتی است، اما در صورت فقدان وسیع‌نگری، این حکم عظیم خداوند، در مسائل جزئی خلاصه خواهد شد (مقام معظم رهبری، در دیدار با علما و روحانیان استان یزد: ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).

شهید دکتر بهشتی، به تبیین معروف و منکر و معیارهای شناخت آن در ادوار و اعصار پرداخته و در آخر، شناخت و قضاوت نهایی را خارج از توان فرد و در حیطه وظایف رهبری دانسته است. کتاب *بایدها و نبایدها* مشتمل بر ده سخنرانی ذیل تفسیر آیات ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران است که در سال ۱۳۵۳ ایراد شده و به موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاص دارد. در این کتاب آمده است: «امر به معروف و نهی از منکر، موجب امنیت است» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹: ۱۷۲). امر به معروف و نهی از منکر، ولایت اجتماعی است (همان: ۱۸۷). امر به معروف و نهی از منکر، محیط‌سازی و بهداشت محیط اجتماعی است و بهداشت محیط، از جلوه‌های ترقی و تکامل علم و عمل بشری است (همان: ۱۶۹).

معروف، خوبی‌های همه کس‌شناس، و منکر، بدی‌های همه کس‌شناس است؛ و ما برای شناخت و شناساندن اسلام، باید از روش‌های همه کس‌شناس معروف و منکر بهره بگیریم. آیین خدا، آن آیینی است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. این شناخت، با فطرت همه انسان‌ها هم‌آواست (همان: ۹۶، ۹۷).

از نظر اسلام، یک سلسله کارها، رفتارها، خصلت‌ها، قانون و نظام‌ها، معروف است؛ یعنی شایسته، نیک، پسندیده، همه کس‌شناس و شناخته‌شده به خوبی. یک سلسله از کارها، خصلت‌ها، خوی‌ها، خلق‌ها، قانون‌ها، نظام‌های دیگر، منکر است؛

یعنی انکار شده، مردود، مردود نشان دار. شناخته شده و همه کس شناس است... یک سلسله معیارهای عمومی، مطلق، همه کس شناس، دارای ارزش و اعتبار — در همه شرایط و احوال و در همه نظام‌ها و در همه سیستم‌ها و در همه دوران‌های زندگی بشر تا امروز — به عنوان معیارهای پسندیده در اختیار داریم. در مقابل آنها، یک سلسله معیارهای دیگر به عنوان معیارهای مردود و ناپسند و ناشایست... ارزش‌های ثابت^۱، دستخوش دگرگونی نظام‌ها نمی‌شود... برای قضاوت در مورد نظام‌ها، باید معیارها را به کار ببریم نه بر عکس (همان: ۱۰۲، ۱۳). شناخت برخی معیارها نیز همگانی نیست. با اینکه آنها هم معیارهایی ثابت و اصیل و از نظر ارزش و اعتبار، به زمان و مکان و شرایط و نظام‌ها و سیستم‌ها ناوابسته هستند، شناسایی آنها به این آسانی و سادگی نیست... و به آگاهی‌های وسیع‌تر نیاز دارد.

گاهی اوقات، معروف و منکر، از نظر معنای کلی، از نظر قانون کلی و به اصطلاح روز، از نظر ایدئولوژیک، شناخته شده است، ولی در مقام اجرا و عمل، نه معیارهای مختلف در یک کار، بلکه در مجموعه کارها، معروف‌های شناخته شده ایدئولوژیک و منکرهای شناخته شده ایدئولوژیک، با هم تزاخم می‌کنند و در برابر هم قرار می‌گیرند و تصمیم‌گیری را مشکل می‌کنند (همان: ۱۰۲). شناخت برایندهایی معروف و منکر، اصلاً در بسیاری مسایل اجتماعی، از توان فرد خارج است و باید در دایره وظایف رهبری امت قرار گیرد.^۲ نتیجه اینکه بخشی از امر به معروف‌ها و نهی از منکرها، نه از نظر قدرت، بلکه در اصل، از مجرای شناخت معروف و منکر، از حدود مسئولیت فرد خارج است. به بیان دیگر، شناخت معروف و منکر حتی ضمن اجرا، حتماً باید با شناخت باشد. شرط انجام وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، شناخت معروف و منکر است. شناخت معروف و منکر، در بیشتر موارد، به خصوص موارد مربوط به تلاش‌های اجتماعی، معمولاً از حدود آگاهی‌های فردی فراتر می‌رود (همان):

۱. نمونه‌ای از ارزشهای ثابت: (به عنوان مثال) خوب شناختن جود و بخشش و ایثار، و زشت شناختن بخل و خودنوازی... است.

۲. خصلت «امت»، هدف داشتن و رهبری داشتن است. ر.ک: (همان: ۲۱).

باید قبل از امر و نهی خدا، از معروف مانند عدل و احسان و از منکر مانند فحشا و بغی شناخت داشت. (همان: ۵۶) ... در مورد اصطکاک ارزش‌ها باید موازنه و جمع‌بندی کرد که اگر حاصل، به تنهایی، مثبت بود، آن کار معروف و خوب است؛ و اگر حاصل موازنه، منفی بود، کار، منکر و بد است (همان: ۱۲۵، ۱۲۶). آنچه منطبق فطرت، بینش‌های عمومی، بررسی‌های دقیق علمی و عقلی، منبع پرارج وحی به نیکی می‌شناسد «معروف» است؛ و آنچه از نظر یکی از این «درجات معرفت»، ناپسند آید «منکر» است. شناخت پاره‌ای از این مراحل، در قلمرو رهبر امت است (همان: ۱۲۹).

استاد مطهری بیان می‌دارد: اسلام نخواستنه موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به امور معین محدود کند؛ کلمه عام آورده است: معروف، یعنی هر کار خیر و نیکی، نقطه مقابلش: منکر، یعنی هرچه زشت و پلید است... از نظر اسلام، معروف و منکر، محدود نیست؛ تمام هدف‌های مثبت اسلامی، در معروف و تمام هدف‌های منفی اسلامی در «منکر» جای می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۴ ب: ۱۵۴/۲). غیب کار در امر به معروف و نهی از منکر، آن است که هنوز منطبق را وارد آن نکرده‌ایم (مطهری، ۱۳۶۴ الف: ۵۷) منطبق، این است که مزاج اجتماع را به دست آوریم که چرا منکر را پذیرفته و از معروف سر باز زده است و معنای فکر اجتماعی، بحث اجتماعی و عمل اجتماعی همین است که عوامل، علل و معلولات اجتماعی را بشناسیم؛ و گر نه، ما مرد اجتماع نیستیم... ما جز «پند» و «بند» نمی‌شناسیم. معتقدیم ابتدا باید پنندهای تحکم‌آمیز کرد و بعد هم اعمال زور

۱. مطابق مکتب اهل بیت (ع) — برخلاف اشاعره — اگر دین و وحی هم نبود، بشر می‌توانست خوبی و بدی را بفهمد: آنچه بشر به هدایت فطری به نیکی شناخته، خوب است و «معروف» و آنچه بشر به هدایت فطری به بدی شناخته بد است و منکر (همان: ۷۷).

وحی کمک‌کار عقلی است: «کَلِمَا حَكَمَ بِهِ شَرَعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» وحی ریزه‌کاری‌هایی را که عقل بدان نمی‌رسد و ابعاد ناشناخته را به ما نشان می‌دهد؛ چون واقعیت این است که نه بی‌عقلیم و نه عقل کل (همان: ۷۹-۸۱). این گفته که در شناخت احکام، عقل را دخالت ندهید، همان اشعری مذهبی است و اصلاً چنین چیزی ممکن نیست. خود خدا در قرآن عقل را دخالت داده است: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان وینهی عن الفحشاء والمنکر...» پس، معیاری داریم که بفهمیم خدا به چه چیزهایی امر می‌کند و از چه چیزهایی نهی می‌کند و این معیارها را پیش از وحی و امر و نهی خدا می‌فهمیم (همان: ۸۲-۸۴).

و جبر: «چون پند دهند نشنوی، بند نهند». ما باید بدانیم که در راه امر به معروف و نهی از منکر، غیر از پند و بند، منطق دیگری هم هست که صحیح‌تر است (همان: ۶۱). استاد مطهری منطق را در مراحل سه‌گانه قلب، زبان و دست می‌داند: در مرحله اول، حضور این فریضه، در فلسفه کلی زندگی است؛ منطق بیانی هم در زبان و قلم، به گونه‌ای که حقایق را روشن و در خور فهم و هضم افراد قرار دهد؛ منطق عملی، به معنای انتخاب درست راه است، یعنی انتخاب‌کننده راه عملی باشیم. البته گاهی اوقات، خود اعمال زور، راه عملی است؛ همان‌طور که در مجازات‌ها باید اعمال خشونت شود و نباید رأفت ما را اخذ کند. مطابق تعبیر قرآن، در جلوگیری از منکرات هم گاهی باید اعمال خشونت شود (قد احکم مراهمه و احمی مواسمه)، اما مرحله عمل، مرحله جنجال، رجاله بازی، اعمال خشونت و زورگویی صرف نیست (مطهری، ۱۳۶۴: ۹۹/۲).

باید در مرحله قلب، امر به معروف و ناهی از منکر بود؛ یعنی عمل از عمق ضمیر ما سرچشمه گرفته و از سر اخلاص و دلسوزی و علاقه باشد. دوم، مرحله زبان؛ یعنی بیان ما روشن‌گر و هدایت‌کننده باشد، نه متحکم و آمر... سوم، مرحله عمل، البته نه به معنای زور، بلکه به معنای پیش‌قدمی در راه خیر و استباق که در قرآن است (همان).

ما، در اسلام دو دفاع داریم: دفاع از حق به معنی حقیقت؛ و دفاع از حق به معنی حقوق اجتماعی. جایی که حقایق در اجتماع پایمال شود، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با منکرات و اشاعه آنچه اسلام آن را نیک می‌شناسد به میان می‌آید. این دفاع یا همان امر به معروف و نهی از منکر، همگانی است (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۷۵). اصلاح طلبی، در قرآن، هم به عنوان شأن پیامبری مطرح است و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر که از ارکان تعلیمات اجتماعی اسلام است. هر امر به معروف و نهی از منکر، لزوماً مصداق اصلاح اجتماعی نیست، ولی هر اصلاح اجتماعی، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است (مطهری، ۱۳۶۷: ۷) البته این وظیفه بزرگ، دو رکن و شرط اساسی دارد: یکی رشد، آگاهی و بصیرت؛ و دیگری، قدرت داشتن.

هاشمی رفسنجانی (مطهری، ۱۳۶۴: ۸۲/۲) مهم‌ترین شرط گزاردن فریضه را آگاهی می‌شمارد. از نگاه وی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر، یک سیستم

انتقادی و ابتکاری بزرگ، در هر زمان است که اصلاحی خودکار را در بستر عملکردی فرهنگی به همراه دارد. در جامعه زنده، امر به معروف و نهی از منکر، بر پایه آگاهی جریان دارد و ضامن بقای دیگر فرایض است و به عنوان یک وظیفه همگانی، در یک زمینه گسترده، به خروج از بی‌اعتنایی می‌انجامد؛ اگر آن‌طور که باید اجرا شود (همان: ۲۰۰/۲).

آیت‌الله جوادی آملی، به موجب آیه شریفه «یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ وَيُزَكِّيهِمْ»، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفس را پیشاپیش امر به معروف می‌داند. و می‌گوید: ابتدا باید روشن شود که امر به معروف چیست؟ نهی از منکر چیست؟... امر به معروف و نهی از منکر، واجب حکومتی و عبادی - سیاسی است، واجب عبادی محض نیست... قرآن کریم پایه‌های حکومت را چهار فریضه نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: «أُذِّنُ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْسَ نَهْمٍ ظَلَمُوا... الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ... الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ...» (حج، ۲۲/۳۹-۴۱).

ایشان، همچنین، تصریح دارد که امر به معروف و ناهی منکر، غیر از شخصیت حقیقی، یک شخصیت حقوقی پیدا می‌کند. این شخصیت حقوقی، باید از موضع امر، امر و از موضع ناهی، نهی کند. بنابراین، قلمرو امر به معروف و نهی از منکر، از تعلیم، تزکیه، ارشاد فرهنگی، کار فرهنگی، خواهش و نصیحت جداست.

آیت‌الله حائری شیرازی می‌گوید: عبور از واژه حرام به منکر و عبور از واژه واجب به معروف، فلسفه و علتی دارد. واجب، حیثیتی از امر ارزشی است که خداوند به مکلف اعلام کرده... و حرام چیزی است که شارع از آن نهی کرده پس از این حیث یا از باب اینکه در او مفسده‌ای بوده که شارع، راضی به تحقق آن مفسده نبوده، پس حیثیت واجب و حرام، یا حیثیت نظر شارع است یا حیثیت مصلحت مکلف. اما معروف و منکر، همان، اما با حیثیتی دیگر است. ترک نماز، از حیثی که امر شارع است، ترک فرمان است، اما از این حیث که حیات، سعادت و مصلحت مکلف در اوست، ترک آن مضر به حال مکلف است «من ترک الصلاة متعمداً فقد كفر».

جامعه‌پسند شدن امر، یعنی پذیرفته‌شدن نزد جامعه و معرفت یافتن جامعه به آن و در یک کلام، قبول کردن آن. معروف چیزی است که جامعه آن را مطلوب می‌داند و منکر آن است که جامعه آن را انکار کند. این‌طور نیست که معروف «عند شارع» معروف باشد و منکر «فی الواقع» منکر باشد. اما گفته‌اند شما برای دو کار باید تلاش کنید: یکی اینکه انجام واجب، در میان مردم، معروف و تبدیل به فرهنگ شود. باید چیزی را که شارع خواسته، تبدیل به فرهنگ کنیم یعنی عامه‌پسند و پسندیده‌اش کنیم. حرام‌بودن، وضع موجود است؛ و منکر‌بودن، وضع مطلوب.

«باید»های انجام فریضه در حوزه نظر و عمل، با رویکرد آسیب‌شناختی

امر به معروف و نهی از منکر و به بیان دیگر، نظارت همگانی را می‌توان به سه حوزه تقسیم کرد:

(۱) وظیفه حکومت در برابر مردم؛ آیه‌ای که این وظیفه را بیان می‌دارد، عبارت است از: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴/۳). این آیه، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه گروه‌ها و تشکیلات دولتی می‌داند. در گذشته، در حکومت‌های اسلامی، به این نهادها حسبه می‌گفتند.

(۲) وظیفه عموم مؤمنان در قبال همدیگر؛ همه مؤمنان باید امر و ناهی باشند. این دسته آیات عبارتند از: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران، ۱۱۰/۳)؛ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱/۹). این آیات، اطلاق دارند که مردم در برابر هم وظیفه دارند و حتی امر به معروف و نهی از منکر مردم در برابر حکومت یا حکومت در بر مردم را برمی‌گیرد.

(۳) وظیفه مردم در برابر حاکمان؛ در قرآن به صراحت این قسم ذکر نشده و تنها

اطلاق آیات مربوط، این قسم را دربرمی‌گیرد، با این حال، از بسیاری روایات به دست می‌آید که این قسم نیز در نظر می‌باشد؛ برای نمونه، این فراز از نهج البلاغه: لا تترکوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولی علیکم أشرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

پس، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه مردم در برابر حکومت است، گرچه حق آنها نیز هست حضرت علی(ع) می‌فرماید: وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرِّبَانِ مِنْ أَجْلِ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

سطح دانش، نگرش و شناخت آحاد جامعه، در باره موضوع روشنی چون امر به معروف و نهی از منکر، تفاوت‌های مشهودی دارد. بسیاری از مردم و حتی اندیشمندان، درباره این فریضه، به نوعی الزام قائلند و آن را قهرآمیز می‌دانند و بر همین بنا عمل کرده، یا به عمل توصیه می‌کنند. شهید بزرگوار استاد مطهری در این باره نظری متفاوت دارد: طبق آیه کریمه «المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف» (توبه، ۷۱/۹). لازمه ایمان حقیقی و واقعی — نه ایمان تقلیدی و تلقینی — علاقه به سرنوشت یکدیگر است. لازمه این محبت و علاقه، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه امر به معروف و نهی از منکر، قیام بندگان است برای ادای وظیفه عبادت و خضوع در برابر پروردگار یعنی نماز؛ و کمک و دستگیری از فقرا یعنی زکات. همچنین، لازمه امر به معروف و نهی از منکر، اطاعت از خداوند و رسول خدا(ص) و زنده شدن همه دستورات دینی است. مؤمنان به موجب اینکه نزدیک به یکدیگرند، حامی و دوست همدیگرند و به سرنوشت هم علاقه‌مندند؛ و در حقیقت، به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می‌دهد، علاقه می‌ورزند، از این رو امر به معروف می‌کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی‌ها باز می‌دارند. این دو عمل (امر به معروف و نهی از منکر)، ناشی از وداد ایمانی است و لذا این دو جمله — یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر — بلافاصله پس از بیان ولاء ایمانی مسلمان آمده است (مطهری، ۱۳۶۴ الف: ۵۱).

علاقه به سرنوشت اشخاص، از علاقه به خود آنها سرچشمه می‌گیرد. پدری که به فرزندان خویش علاقه دارد، قهراً به سرنوشت و رفتار آنان احساس علاقه می‌کند. اما ممکن است درباره فرزندان دیگران، چنین احساسی نکند؛ چون به خود آنها علاقه‌ای ندارد تا به سرنوشتشان علاقه‌مند باشد و کار نیکشان در او احساس اثباتی به وجود آورد و کار بدشان احساس نفیی. امر به معروف، در اثر همان احساس اثبات است و نهی از منکر در اثر احساس نفی. تا دوستی و محبت نباشد، این احساسات در نهاد انسانی نمی‌جوشد (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۵). امر به معروف و نهی از منکر، بر محبت و دوستی استوار است و خاستگاه آن، وداد ایمانی است نه صرفاً قهر و الزام. در صورت دانایی و شناخت آحاد جامعه، می‌توان اشتیاق و رغبت به این نوع وداد ایمانی را انتظار داشت.

علامه محمدتقی جعفری معتقد است: مردم را باید با حقایق و نتایج و حکمت مادی و معنوی عقاید و احکام آشنا ساخت. قطعی است که با این آشنایی، مردم در آن حقایق و احکام، انکار و تردید نشان نمی‌دهند، بلکه آنها را همانند قوانین ضروری، طبیعی تلقی می‌کنند و به تطبیق حیات مادی و معنوی بر آنها شوق و رغبت جدی نشان می‌دهند (جعفری، ۱۳۸۰: ۲۳۹).

ممکن است در کتب فقهی و معارف اسلامی درباره امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات مرتبط با آن، تعریف روشنی آمده باشد، اما در مورد مفاهیم کلیدی مرتبط با آن، به ویژه از منظر حقوقی، ابهام‌های فراوان به چشم می‌خورد. حق حریم خصوصی و به تعبیر دیگر، حق خلوت آدمیان یا حق آزادی و حق شهروندی، از مفاهیم اساسی‌ای است که با وجود تعامل انکارناپذیر و اجتناب‌ناپذیر آن با امر به معروف و نهی از منکر، همچنان در فضایی مه‌آلود به سر می‌برد؛ به نحوی که مرزهای آن نامعلوم و تعریف نشده است.

آزادگی، آزادمندی، حریم خصوصی و حق مصونیت انسان در آن حریم، از اصولی است که مبانی اسلامی بر استحکام آن تأکید می‌ورزد. با وجود این، هر یک از مفاهیم یادشده، به بازتعریف نیاز دارد، به ویژه آنکه جوامع انسانی، روز به روز به جوامعی با روابط پیچیده‌تر مبدل می‌شود.

محدود کردن مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، سطحی‌نگری و جزئی‌نگری، از آفات مهم این فریضه است (مقام معظم رهبری، در دیدار با علما و روحانیون استان یزد: ۱۳۸۶/۱۰/۱۲) که به رویارویی مردم با یکدیگر می‌انجامد و مصادیق مورد ملاحظه را با درجه اهمیت و اولویت پایین در نظر می‌گیرد و صرفاً پرداختن به معلول‌ها و پدیده‌های ظاهری را به وجود می‌آورد.

ترس پنهانی از دو واژه «امر» و «نهی» و نیز پاره‌ای شیوه‌های نادرست اجرای آن، سبب شده است جمعی به آثار عملی این نهاد اخلاقی و اجتماعی بدبین شوند. این در حالی است که در عرف ما، حمایت از کار نیک و مبارزه با پلیدی و ظلم، ارزش اخلاقی به شمار می‌آید.

در دنیای کنونی، با وجود توسعه کمی و کیفی شیوه‌های ارتباطی، امر به معروف و نهی از منکر را که شیرین‌ترین و کارآمدترین تعامل اجتماعی است، به ابزار و شیوه‌های کهنه محصور نمودن، آفتی است که رشد این فریضه را با کندی مواجه کرده است.

امر به معروف و نهی از منکر، افزون بر آنکه یک تکلیف دینی است، تعاملی سیاسی، حرکتی اجتماعی، مقوله‌ای مدیریتی و نظارتی، مفهومی حقوقی-قانونی و نظامی فرهنگی است. امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک «نظام»، به طور مشخص، در بیانات مقام معظم رهبری (در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام: ۷۹/۴/۱۹) به چشم می‌خورد.

دایره معروف‌ها و منکرها بسیار گسترده است. حال، اینکه کدام معروف و منکر، در شرایط زمانی مشخص، اولویت و اهمیت دارد، نکته‌ای است که با وجود تأکید مقام معظم رهبری، تاکنون به آن پرداخته نشده است. به بیان دیگر در این فریضه، «اولویت‌گذاری» نشده است. تفکر استراتژیک، بر مدیریت سیاسی حکومت دینی حاکم نبوده است؛ یعنی این فریضه، امری قابل مدیریت تلقی نشده و به تبع آن، در برنامه‌های کلان ردّ پای آن به چشم نمی‌خورد یا ساختار و تشکیلات یکپارچه‌ای برای آن طراحی نشده است یا رهبری و هدایت واحدی برای آن ترسیم نشده و نظارت نظام‌مندی بر آن حاکم نشده است.

جهت‌گیری اصلی امر به معروف و نهی از منکر، بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، برگرفته از بیان نهج‌البلاغه «ضد سلطه اشرار» تعیین شده است. این جهت‌گیری، مستلزم شناخت دقیق سلطه اشرار و راه‌های نفوذ آنهاست. فهم صحیح و دقیق این فریضه و پیامدهای آن، نکته‌ای است که با شناخت مفهومی و همچنین بهره‌گیری از ساختار و روشی که این هدف را محقق سازد حاصل می‌شود.

با وجود اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، شمار آثار منتشرشده در این زمینه، حاکی از بی‌توجهی مطالعاتی و تحقیقاتی در تبیین مبانی نظری این تکلیف دینی و اجتماعی است.

امر به معروف و نهی از منکر، یک واجب دینی است، اما حافظه تاریخی این فریضه، نشان می‌دهد که خطاب‌ها و تکلیف‌ها، بیشتر حول فرد متمرکز بوده و اوامر و تکالیف اجتماعی آن، کمتر بیان گردیده است.

از نظر تاریخی، دو تجربه متفاوت در زمینه سازماندهی این فریضه وجود دارد که هر یک، نقاط قوت و ضعف و چالش‌های خود را دارد:

دوره اول که بیشتر صدر اسلام تا پیش از حکومت بنی‌عباس را در بر می‌گیرد و طی آن، امر به معروف و نهی از منکر، به همت مردم و نه در قالب سازمان و نهاد مشخص انجام می‌شد.

دوره دوم که از زمان بنی‌عباس به بعد شکل گرفت و طی آن، یک نهاد معین، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه عهده‌دار شد.

در دوره انجام فردی این فریضه، بدون سازمان رسمی، نگرش به آن به عنوان یک وظیفه فردی مثل نماز و روزه بوده و هر فرد مستقل از دیگران، خود را موظف به انجام می‌دیده است نه به عنوان وظیفه‌ای گروهی.

به دلیل محدودیت‌های موجود، برای واجدان حقیقی شرایط این فریضه، امکان توسعه و تعمیق این وظیفه میسر نمی‌شود. به کار گرفتن افراد ناآگاه در این کار، از جهاتی، تأثیرهای نامطلوب دارد. کوچک‌ترین خطا در این حوزه، می‌تواند این اصل را به تاثیر وارونه و نامطلوب گرفتار سازد؛ در این صورت، نهی از چنان نهی از منکری،

شایسته‌تر است از توصیه کردن بدان (خمینی، ۱۳۷۷: ۲۶۷/۱). امر به معروف و نهی از منکر، ماهیتی خاص دارد و بالاتر از ارشاد، وعظ و دعوت است.

جامعه اسلامی، به تدریج به این فکر افتاد که به این مهم، شکلی سازمانی بدهد. «دایره حسبه» که به گفته اکثر تاریخ‌نویسان، در زمان مهدی، خلیفه سوم عباسی به طور رسمی بنیانگذاری می‌شد، نمودی از این احساس ضرورت است. دایره حسبه، یک سازمان زیر نظر دولت بود که هماهنگی و اجرای نهی از منکر را به عهده داشت (دهخدا، بی تا ذیل: حسبه و محتسب). و می‌کوشید با امکانات و نظارت قوای دولتی، به ایفای همه جانبه این وظیفه خطیر بپردازد. به دلایلی، چون اهم بودن حرمت تجسس از وجوب نهی از منکر، ایجاد مصونیت کاذب و سیاسی شدن در بُعد سازمانی نهی از منکر و ضعف در بعد مذهبی حکومت‌ها، دایره حسبه به صورت تشریفاتی و بدون اختیارات مهم و بدون عمق و غنای فرهنگی و مذهبی، به حیات خود ادامه داد و به تدریج شکل اولیه‌اش از دست رفت و سرانجام به صورت نهادی فرعی و جزئی از نهاد شرطه، در آن ادغام می‌گردد. این دوره، از اواسط روزگار فاطمیان و اواخر عهد عباسیان آغاز شد و تا پایان دوره صفویان ادامه یافت.

وجود این گونه تجارب تاریخی که آثار و شواهد آن را می‌توان به وفور در فرهنگ و ادبیات کشور یافت، بر این فریضه سایه افکند و تأثیر گذاشت.

امر به معروف و نهی از منکر، به سبب «ظرافت» و پیچیدگی خاص آن، الگوی خاصی برای مطالعه و بررسی می‌طلبد. می‌توان در این خصوص، به یک بررسی صرفاً تاریخی و زمانی بسنده نمود، اما احتمال آن می‌رود که زوایای مهم و پیچیدگی‌های بی‌شمار آن به خوبی به دست نیاید.

تلقی عموم از پیشینه اجرایی امر به معروف و نهی از منکر، به گونه‌ای است که دایره معروفات، نظیر احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، تواضع، حلم و صبر و... از منکرات محدودتر است؛ در حالی که تکیه اصلی بر نهی از منکرات است.

در سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)، اصلاح رفتار مدیران (بند سوم)، ترویج و گسترش معرفت و ارزش‌های اسلامی-ایرانی و انقلاب

اسلامی و رسوخ در قلوب افراد (بند چهارم)، اهتمام به آراستگی سیمای جامعه به مظاهر اسلام و انقلاب اسلامی (بند هفتم)، گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر (بند بیست و چهارم) ... به تصریح آمده است. افزون بر این، در اصل هشتم قانون اساسی، بر این فریضه تأکید شده است، با این حال، برنامهٔ منسجمی در این باره به چشم نمی‌خورد. طی قرن اخیر، فرهنگ سیاسی غالب، بر لیبرال دموکراسی استوار بوده که بر حفظ هویت و حریم اشخاص با تعریف خود تأکید داشته است. بنابراین، در ظاهر، ورود به رفتارهای فردی با آثار اجتماعی، مقبولیت کلی ندارد. این تصور، اجرای فریضه را گاه با چالش‌هایی مواجه می‌کند.

راهبردهای نظارت همگانی

آنچه گذشت، حاوی مطالبی درباره «باید»های انجام فریضه است. بنابراین برای تدوین راهبردهای نظارت همگانی باید موارد ذیل در نظر باشد:

- در بحث از آسیب‌شناسی فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر، عوامل و زمینه‌های مخل در نهادینه‌سازی روش‌های این تعامل اجتماعی، به ویژه خاص سطح دانش، آگاهی و شناخت، بسیار قابل تأمل است.
- به دلیل اهمیت این فریضه، تعمیم کارکردی و عمیق آن ضروری است.
- در مفاهیم کلیدی مرتبط، به ویژه از منظر حقوقی، ابهام فراوان به چشم می‌خورد.
- حق حریم خصوصی، حق آزادی و حق شهروندی، از مفاهیم اساسی است که با وجود تعامل غیرقابل انکار و اجتناب‌ناپذیر با امر به معروف و نهی از منکر، باید بازتعریف شود.
- سطح دانش، نگرش و شناخت یکایک جامعه، در مورد موضوع روشنی همچون فریضه امر به معروف و نهی از منکر، باید همسان باشد.
- بسیاری از مردم و حتی اندیشمندان، امر به معروف و نهی از منکر را قرین نوعی الزام و قهر می‌دانند و بر همین مبنا عمل کرده، یا به آن توصیه می‌کنند.
- محدود کردن مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، سطحی‌نگری و جزئی‌نگری، از آفات مهم این فریضه است (مقام معظم رهبری، در دیدار با علما و روحانیون استان

یزد: ۱۳۸۶/۱۰/۱۲.

- درک صحیح و اجرای درست، از ضرورت‌های این فریضه در مرحله عمل است.
- اولویت‌هایی معروف و منکر باید تعیین گردد.
- این فریضه، از ناآگاهی رنج برده و در نتیجه، پای در عرصه‌ای نهاده که پس از یک دوره صعود، رو به افول گذاشته است. از این رو، در اذهان عام و خاص، از این فریضه برتر، چهره‌ای نقش بسته است که تا مدت‌ها بسیاری از اشخاص دلسوز اسلام و نظام اسلامی کمتر جرئت کرده‌اند در سامانه اجتماعی به آن نزدیک شوند و نقش اجتماعی خود را در قبال آن ایفا کنند.
- امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر آنکه یک تکلیف دینی است، یک تعامل سیاسی، حرکتی اجتماعی، مقوله‌ای مدیریتی و نظارتی، مفهومی حقوقی و قانونی و یک نظام فرهنگی است.
- بررسی صرفاً تاریخی و زمانی، زوایای مهم و پیچیدگی‌های بی‌شمار آن را به خوبی نشان نمی‌دهد و ظرافت‌های دینی و فرهنگی آن را نمایان نمی‌سازد.
- تلقی تاریخی از امر به معروف و نهی از منکر به گونه‌ای است که دایره «معروفات، نظیر دستگیری از فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، تواضع، حلم و صبر و...» از منکرات محدودتر است و تکیه اصلی، بر نهی از منکرات است که در آن زمینه نیز بیشتر بر منکرات خاص توجه شده است.
- امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک «نظام» منابع و عوامل بسیاری را درگیر آن به جهت نایل شدن به اهداف غایی آن درگیر خواهد کرد.^۱
- دایره معروفات و منکرات، بسیار گسترده است. اینکه کدام معروف و منکر، در شرایط زمانی مشخص، اولویت و اهمیت دارد نکته‌ای است که با وجود تأکیدها،

۱. توضیح نگاه و تلقی از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک «نظام»، به طور مشخص در بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در مورخ ۷۹/۴/۱۹ به چشم می‌خورد: ... در مفهوم نظام به مقولات مهمی چون اهداف و جهت‌گیری‌ها، ساختار و نهادمند نمودن موضوع، برنامه دقیق و زمانمند، هسته مدیریتی و سیاستگذار، فرآیندهای قانونی شامل گردش کارها و اطلاعات نظام مربوطه، نظارت و پایش و امثال آن باید دقت و توجه نمود.

تاکنون به آن پرداخته نشده است. به عبارت دیگر، در این فریضه، «اولویت‌گذاری» انجام نشده است.

- حاکمیت تفکر استراتژیک بر این مقوله، لازم است.

- این فریضه، یک امر قابل مدیریت تلقی نشده و به تبع آن، در برنامه‌های کلان ردّ پایی از آن به چشم نمی‌خورد یا ساختار و تشکیلات یکپارچه‌ای برای آن طراحی نشده یا رهبری و هدایت واحدی جهت آن ترسیم نشده است. همچنین منابع و اعتبارات لازم برای آن تدارک دیده نشده و نظارت نظام‌مندی بر آن اعمال نگردیده است.

- جهت‌گیری اصلی امر به معروف و نهی از منکر، بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، برگرفته از بیان نهج‌البلاغه، «ضد سلطه اشرار» تعیین شده است. این جهت‌گیری، مستلزم شناخت دقیق سلطه اشرار و راه‌های نفوذ آنها و همچنین بهره‌گیری از ساختار و روشی است که این هدف را محقق سازد.

- یکی از ارکان مهم و کارآمد در ساختار کلی اجرای این فریضه، نهادهای مدنی و غیر دولتی و مردمی است.

- ضعف در شفاف‌سازی و پاسخگویی دولت به معنای اعم آن، امکان نظارت عمومی و در صورت لزوم، امر به معروف و نهی از منکر را توسط نهادهای مدنی فراهم می‌سازد.

- به روشنی می‌توان دریافت که در انجام این فریضه، سهم دستگاه‌های فرهنگی جدی‌تر است.

- طی قرن اخیر، فرهنگ سیاسی غالب در غرب، بر لیبرال دموکراسی استوار بوده است؛ فرهنگی که بر حفظ هویت و حریم اشخاص با تعریف خود تأکید می‌نماید.

- ظرافت و پیچیدگی خاص امر به معروف و نهی از منکر و چند وجهی بودن آن، بر اهمیت و لزوم پژوهش گسترده و نظام‌مند درباره این مقوله تأکید می‌نماید.

- از آنجا که این فریضه، عمومی است، آگاهی جامعه از مفاهیم و روش‌ها و آفات و خطرات آن، ضرورت جدی دارد.

- در کنار آموزش‌های عمومی، آموزش‌های تخصصی برای ترویج این فریضه در

سطح جامعه لازم است.

مراتب سه گانه این فریضه، باید مورد توجه واقع شود.

در مجموع، راهبرد اصلی امر به معروف و نهی از منکر، عبارت است از: «توسعه امر به معروف و نهی از منکر با اولویت وجه مردم به دولت، از طریق همگانی کردن آن با استفاده از بسترها و ظرفیت‌های فرهنگی و بسط آنها و نیز مدیریت هماهنگ و یکپارچه در این زمینه».

از آنجا که در نظام برنامه‌ریزی استراتژیک، از نظر فنی برنامه‌ای اجرایی و از نظر سیاسی مقبول است که توان پاسخ‌گویی به چهار دسته از مسائل را داشته باشد: مسائل انسانی، مسائل فرایندی، مسائل ساختاری و مسائل مربوط به نهادی کردن (برایسون، ۱۳۷۲: ۲۲۱). براین اساس، راهبردهای نهایی در این مطالعه، به تفکیک بخش‌های وظیفه‌ای بدین قرار است:

الف) در مسائل مربوط به نهادی کردن

- راهبردهای حوزه فرهنگی

- ارزش‌مداری جامعه، گسترش مسئولیت اجتماعی و مشارکت عمومی؛
- باور عمومی به معروف بودن واجبات و منکر بودن محرمات؛
- حاکمیت فرهنگ نقد و نقدپذیری، پرسشگری و پاسخگویی، به منزله یک ارزش یا هنجار؛
- احترام به حفظ حقوق دیگران و کرامت انسانی؛
- نهادینه‌سازی اندیشه «مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه»؛
- اذعان عمومی به شخصیت حقیقی و حقوقی آمران و ناهیان.

- راهبردهای حوزه پژوهش

- تقویت حوزه معرفت‌شناسی معروف و منکر از طریق نخبگان، اندیشمندان و پژوهشگران؛
- تسهیل در بهره‌مندی جامعه علمی از سایر مراکز پژوهشی تخصصی کشورهای اسلامی؛

- بهره‌مندی از نتایج پژوهش‌ها در اتخاذ سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌ها؛
- برخورداری از متون فقهی متناسب با نیاز جامعه.

ب) در مسائل فرایندی

- نظام‌مندی امر به معروف و نهی از منکر بر پایه دانایی؛
- مدیریت هماهنگ؛
- تدبیر بر پایه اصل هشتم قانون اساسی؛
- وجود نهادهای مردم‌نهاد؛
- اولویت روش‌های تشویقی و نرم به جای روش‌های صرفاً بازدارنده و سخت.

ج) در مسائل انسانی

- بسط آگاهی و آموزش هدفمند در نظام اجتماعی؛
- آموزش‌های تخصصی متناسب با نیازها؛
- برخورداری آحاد مردم از دانش و بینش کافی و عمیق با حداقل فاصله.

د) در مسائل ساختار اجتماعی

- توسعه همبستگی و وفاق اجتماعی؛
- بسط انگیزه خیرخواهی و هم‌نوایی؛
- فراگیری هنجارپایی در میان جامعه؛
- نهادینه شدن نظارت اجتماعی؛
- ثبات بر هویت ایرانی - اسلامی جامعه.

کلام آخر

عزم ملی برای بهره‌گیری از سازوکار امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان الگوی فرهنگی در نظام نظارت همگانی از طریق افزایش نقش و سهم مردم و تعامل کارآمد و

نظام‌مند آنان و نیز بهبود نظام هدایت و نظارت از طریق تقویت ساختار فرهنگی، تقویت فرهنگ عمومی که زمینه‌ساز مشارکت اجتماعی به عنوان حق و تکلیف و نیز گسترش، تبیین و ترویج معروفات و شناساندن و زدودن منکرات با اولویت‌بخشی در کنار آگاه‌سازی، ترغیب، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به منظور حفظ منافع جمعی و نیز به کارگیری و توسعه ظرفیت‌های مادی و معنوی در تولید علم و دانش در سطوح ملی و امتی، و بسط و توسعه نهادهای دینی و سازمان‌های مردم‌نهاد، برای ایفای حقوق اجتماعی - سیاسی مردم از طریق دعوت به خیر، نقد، نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه در سطح مردم در برابر دولت، به عنوان راهبردهای نظارت همگانی در نظام اسلامی محل توجه است.

بدیهی است پس از به دست آمدن راهبردها از اسناد و متون بالادستی، که البته هدف این نوشتار بوده، در مرحله بعد، هر یک از نهادهای متولی باید در حوزه انجام وظایف خود، سیاست‌ها و فعالیت‌ها را شناسایی و برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت خود را تعریف نمایند. بدیهی است تداخل مسئولیت‌ها با توجه به آسیب‌های جدی آن در این مرحله، باید مورد توجه خاص قرار گیرد و در صورت لزوم، برای انجام کارآمد و اثربخش این فریضه بازمهندسی شود.

منابع

- اسلامی اردکانی، حسن ۱۳۷۵. *امر به معروف و نهی از منکر*، قم: خرم.
- اکبری، محمد رضا ۱۳۷۵. *تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر*، بی‌جا.
- برایسون، جان. ام. ۱۳۷۲. *برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی*، ترجمه عباس منوریان، تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جعفری، محمدتقی ۱۳۸۰. *رسائل قهقی*، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفریان، رسول ۱۳۷۷. «امر به معروف و نهی از منکر در دوره صفوی»، *مجله کیهان اندیشه*، شماره ۸۲.
- حرعاملی، محمد بن حسن [بی‌تا] *وسائل الشیعه*، بی‌جا.
- حسینی بهشتی، سید محمد ۱۳۷۹. *بایدها و نبایدها: امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن*، تهران: بقعه.
- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید ۱۳۷۷. *شرایع الاسلام*، تهران: مکتب العلمیة الاسلامیة.

- خمینی، روح الله ۱۳۸۸. آداب الصلوة، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله ۱۳۷۷. تحرير الوسیله، ترجمه علی اسلامی و قاضی زاده، زیر نظر محمد مؤمن قمی و سید حسن طاهری خرم آبادی. چاپ پانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
- خمینی، روح الله ۱۳۸۵. صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره): بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله ۱۳۸۵. صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی ۱۴۰۹ق. حقائق الایمان: مع رسالتی الاقتصاد و العدالة، تصحیح مهدی رجائی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی [بی تا]. روضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله ۱۳۷۶. راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی [بی تا]. تحریر الاحکام، انتشارات موسسه طوس.
- فؤادیان دامغانی، رمضان ۱۳۷۵. سیری در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، قم: دارالکتاب.
- فرد آر، دیوید ۱۳۸۵. مدیریت استراتژیک، ترجمه پارساییان و اعرابی، چاپ نهم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قرائتی، محسن ۱۳۷۵. امر به معروف و نهی از منکر، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب ۱۹۹۲م. فروع کافی، بیروت: دارالاضواء.
- محقق کرکی، علی بن حسین بی تا. جامع المقاصد فی شرح القواعد، بی نا.
- مسعودی، محمد اسحاق ۱۳۷۴. پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، تهران: بی نا.
- مصباح یزدی، محمد تقی ۱۳۷۱. تشریح فلسفه و انگیزه امر به معروف و نهی از منکر در نظارت صالحان، تهران: بی نا.
- مطهری، مرتضی ۱۳۶۴ب. حماسه حسینی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی ۱۳۶۷. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی ۱۳۳۹. امر به معروف و نهی از منکر، تهران: گفتار ماه.
- مطهری، مرتضی ۱۳۶۴الف. ده گفتار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی ۱۳۷۸. ولاها و ولایت‌ها، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی ۱۳۸۲. تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
- مهدوی زادگان، داود ۱۳۸۹. الزام حکومتی حجاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میر عظیمی، جعفر ۱۳۷۲. دو فریضه بزرگ: امر به معروف و نهی از منکر، قم: مؤلف.
- نجفی، محمد حسن بن باقر ۱۳۷۳. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر ۱۳۷۱. تفسیر راهنما، قم: مرکز انتشارات اسلامی.